

آگوس و هیولاها ۳

ترانه‌ها

پاری

ژانومه کوپونس
تصویرگر: لیلیانا فور تونی
مترجم: سعید متین



این بار باید یک مطلبی درباره‌ی یکی از چیزهای مربوط به شهرمان، گالِرنَا، آماده می‌کردیم. یک مطلبی درباره‌ی یکی از چیزها!!! وقتی به آدم می‌گویند «یک مطلبی آماده کن» و دقیقاً مشخص نمی‌کنند چه مطلبی، آدم خل می‌شود. حالا از آن بدتر این است که مجبور باشی راه مدرسه تا خانه را با لیدیا برگردی.



همه‌اش هم سر یک تکلیف بیخودی؟!!!! باز هم همان داستان همیشگی؟ آخر چرا؟ چرا آخر هر هفته یا هر بار که تعطیل بودیم، حتی اگر تعطیلات زپرتی سه‌روزه بود، بهمان تکلیف می‌دادند؟